

استثنائات قانون بیمه اجباری اتومبیل

از: دکتر ایرج علی آبادی

از شمول حمایت این قانون خارج قرار می‌گیرند که موضوع مواد ۲ و ۴ قانون را تشکیل می‌دهد. و ما بدون اینکه نظری در مورد آن بدهیم می‌کوشیم در این مختصر موضوع را بیشتر بشکافیم و در چهارچوب خود قانون تا آنجا که ممکن است آنرا توضیح دهیم. ماده ۲ می‌گوید: "کلیه اشخاصی که به سبب حوادث و سائل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون شخص ثالث تلقی می‌شوند باستثناء افراد زیر:

الف - بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه.

ب - کارکنان بیمه‌گذار مسئول حادثه حین کار و انجام وظیفه.

ج - همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتیکه سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد.

در اینجا مسئله زیاندیدگان بعنوان اشخاص ثالث مطرح است. نباید فراموش کرد که این قانون دارای دو موضوع مجزا از هم است که گرچه برای طی یک ماده آورده شده است اما دو امر جداگانه است. یکی برقراری نوعی مسئولیت قانونی و مدنی که همان مسئولیت اصطلاحاً "مبتنی بر خطر یا تسبیب دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی باشد. این مسئولیت ممکن بود از قاعده کلی لاضرار یا مسئولیت ناشی از تسبیب بیرون کشیده شود. اما با تصویب این قانون مسئولینی بوجود آمد که اگر چه در نظام حقوقی بی‌سابقه نبود ولی صراحت و روشنی ریادی پیدا کرد تا آنجا که می‌توان گفت مسئولیتی مبتنی بر قانون است حتی اگر مبانی مسلمی در نظام حقوقی

از ابتدای تصویب و اجرای قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در عمل برای مسئولین موسسات بیمه و نیز دارندگان این بیمه‌نامه مسائلی مطرح بود که بنظر میرسد هنوز هم کاملاً حل و روشن نشده باشد.

یکی از مهمترین این مسائل کنار گذارده شدن کسانی از شمول این قانون بود و چنین گفته میشد اگر این نوع مسئولیت، امر تقریباً "جدیدی در حقوق ایران است یعنی آنچه اصطلاحاً "مسئولیت براساس نظریه خطر نامیده می‌شود تا آنجا که ماده یک قانون بالصراحه می‌گوید: "دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی به سبب خساراتی که از وسیله نقلیه آنها به دیگران وارد می‌شود مسئولند." چطور در خود قانون عده‌ای از این حمایت محروم مانده‌اند و آیا این امر به عامیت آن لطمه وارد نمی‌کند؟

برخی از مسئولان هم که به استثنای آن با دید قبول می‌نگریستند اشکالات عملی آنرا پیش می‌کشیدند و به عدم درک مسئله از طرف بیمه‌گذاران و زیاندیدگان اشاره می‌کردند و بخصوص به رای بعضی محاکم که به نظرشان مغایر قانون می‌آمد اشاره می‌کردند.

واقع قضیه این است که درباره این قانون آنگونه که باید بحث و تفحص صورت نگرفت و من خصماً" جز آقای دکتر ناصر کاتوزیان حقوقدان دیگری را نمی‌شناسم که این قانون را مورد بحث قرار داده باشد و از همه بدتر مسائل مبتلا به و نقاط ابهام قانونی و اجرائی این قانون بطور جدی بین مسئولین و مشاوران حقوقی موسسات بیمه هم مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفت.

چنانکه از مطالعه قانون مستفاد می‌شود دو گروه

نداشته باشد. این عده ممکن بود در جزء مواد قانونی مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۷ آورده شود و در کمتر کشوری این مسئولیت با چنین صراحتی در قانون آورده شده است.

موضوع دوم اجبار دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی به بیمه مسئولیت خود است که تکلیف قانونی آنهاست و ضمانت اجرای مشخص و معینی هم دارد. عبارت دیگر دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی همیشه در چهارچوب این قانون بابت زیانهای بدنی و مالی که از وسیله نقلیه آنها به دیگران وارد می شود مسئولند. چه این مسئولیت را بیمه کرده باشند چه نکرده باشند. تاسیس صندوق تأمین خسارتهای بدنی هم در همین راستاست و صندوق (لااقل در مورد خسارتهایی که به خسارت بدنی زیان دیدگان تعبیر می شود) جانشین دارند و وسیله نقلیه موتوری زمینی شده است و عملاً از طرف اوست که این خسارت را می پردازد و بهمین جهت هم هست که حق رجوع جهت دریافت خسارت پرداختی را دارد.

اما الزام به بیمه کردن این مسئولیت امر جداگانه ای است و بیمه گر و بیمه گذار در جهت قرارداد بیمه تابع قانون بیمه هستند و این قرارداد هم مثل هر قرارداد خصوصی دیگری تا آنجا که مغایرتی صریح با قوانین و از جمله خود این قانون نداشته باشد بین طرفین معتبر است.

از طرف دیگر قرارداد بیمه مسئولیت عملاً یک قرارداد شخص ثالث است در قسمت اول ماده یک قانون صحتی از ثالث در میان نیست و طرفیت زیان دیده است و دارنده وسیله نقلیه موضوع قانون. مفهوم ثالث بمحض انعقاد قرارداد بیمه بین بیمه گر و بیمه گذار ظاهر می شود و روشن است که طرفین قرارداد، متعاملین هستند نه ثالث. پس خیلی روشن است که بیمه گر (یعنی طرف قرارداد) در مقابل بیمه گذار (طرف دیگر قرارداد) تعهدی به جبران خسارت او نداشته باشد. ضمناً "مسئولیت همیشه در مقابل دیگران مطرح است. هیچکس در مقابل خود مسئولیتی ندارد و همینطور در مقابل کسانی که مسئولیت حقوقی آنها مسئولیت خود او تلقی می شود

و این امر به تفصیل در کتب حقوقی منعکس است. (فراموش نشود در تمام این بحث مورد ما مسئولیت ناشی از خطر است نه مسئولیت جزائی و نه مسئولیت های ناشی از تقصیر) در این صورت مالک نمی تواند علیه فرزندش طرح دعوی مسئولیت کند یا اگر نتواند تقصیر یا خطائی بر راننده اش ثابت کند بموجب قسمت اول ماده یک این قانون جبران زیان خود را خواهد. معذالک قانون ارفاقاً "اشتتاهائی بر این اصل وارد کرده است از جمله آنکه همسر و پدر و مادر، اولاد، اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه گذار در صورتیکه سرنشین وسیله نقلیه ای باشند که راننده یا بیمه گذار مسئول حادثه باشد یعنی اگر سرنشین چنین وسیله نقلیه ای نباشند ثالث تلقی می شوند که در اینجا قانون از بیمه مسئولیت عملاً به یک بیمه حادثه وسایل نقلیه تبدیل شده است.

بحث بیشتر در این ماده ۲ درباره کارکنان بیمه گذار در حین انجام وظیفه است. ما عمداً "قید "بیمه گذار مسئول حادثه" را حذف کردیم زیرا کلمه مسئول حادثه خود موضوع بحث جداگانه ای است و ما این جمله را فقط بصورت استثنائی بر اصل تلقی می کنیم. مثالی هم که اغلب زده می شود این است که اگر کارمندی جهت سوار شدن به یکی از وسایل نقلیه اداره اش به پارکینگ می رود و مثلاً "هنگام عقب جلو کردن ماشین با او تصادف می کند چرا نباید مستحق به دریافت خسارت موضوع این قانون باشد و نظایر اینها.

مقدمتاً "بگوئیم که قید در حین انجام وظیفه خود ممکن است موضوع بحث و حتی دعوائی قرار گیرد و همیشه هم این دعوا از طرف کارمند علیه صاحب کار نیست و ممکن است از طرف صاحبکار علیه کارمند باشد و دامنه آن خیلی جلوتر از این قانون می رود اما مسئولیت صاحب کار بابت زیانهای که کارکنانش به سبب انجام وظیفه می بینند گاه بطور صریح (در مورد کارگران) و گاه بطور ضمنی در قراردادهای کار گنجانده شده است. در محوطه یک کارخانه چه فرقی می کند که کارگر از ماشین تراش آسیب ببیند یا از پاره آجری که به سرش می خورد یا از وسیله نقلیه ای که در محوطه رفت و آمد می کند؟

کارمندی از افتادن هواکش روی سرش هنگامیکه پشت میز کارش نشسته است دچار زیان شود یا اتومبیلی که قبل از سوار شدن او راه می‌افتد و او را بدنبال خود می‌کشد؟ ممکن است موسسه‌ای برای این نوع خسارات بیمه‌نامه یا بیمه‌نامه‌هایی نظیر بیمه مسئولیت عام یا بیمه حوادث کارکنان تهیه کند ولی بسیار بعید بنظر می‌رسد در کادر این قانون بتوان آنها را ثالث زیان‌دیده تلقی کرد کما اینکه درست بهمین علت است که اگر یکی از کارکنان بیمه‌گذار (بویژه راننده این موسسه) از وسیله نقلیه‌ای که در اختیار اوست خسارتی به دیگری وارد کند بیمه‌گر ملزم به جبران آن است. البته ممکن است کارمند زیان‌دیده‌ای ثابت کند که زیان به او در حین انجام وظیفه‌اش نبوده است یا بیمه‌گری اثبات نماید که کارمند بیمه‌گذار زیان را در حین انجام وظیفه وارد کرده است ولی این مطلب از بحث ما جداست. به این ترتیب در ماده ۲ به زیان‌دیدگانی اشاره شده است که زیان‌دیده هستند ولی از جهت قرارداد بیمه ثالث تلقی نمی‌شوند.

در ماده ۴ وضع جز این است. در اینجا با گروهی سر و کار داریم که زیان‌دیده هستند. از جهت قرارداد بیمه ثالث هم تلقی می‌شوند ولی قانون جبران زیان آنها را منع کرده است یا برحسب طبیعت امر، برحسب جنبه تنبیهی قانون بیمه‌گر را از پرداخت نسبی خسارت‌ها برای الذمه ساخته است. اشخاص مذکور در ماده ۲ را اگر هم قانون نمی‌گفت طبق اصول کلی حقوق بیمه‌گر از شمول تعهدات خود خارج می‌دانست ولی ممکن بود بحث‌هایی پیش بیاورد که حالا قانون حکم قطعی را درباره آنها داده است. ولی در مورد اشخاص و خسارت‌هایی موضوع ماده ۴ وضع جز این است. ماده ۴ بالصراحه می‌گوید: "موارد زیر از شمول موضوع بیمه این قانون خارج است." بعبارت دیگر هیچ بیمه‌گری نمی‌تواند در چهارچوب بیمه موضوع این قانون موارد مذکور در ماده را بیمه کند و در زمره تعهدات خود قرار دهد.

دسته‌ای از این شش مورد جنبه‌هایی مربوط به نظم عمومی دارد و اصولاً "بیمه آنها درست نیست

نظیر جرائم و خسارت‌های مالی ناشی از محکومیت جزائی که باصطلاح معروف اصولاً "قابل بیمه‌کردن نیستند یا خسارت‌های ناشی از تشعشعات اتمی و مواردی نظیر فرس‌ماژور از قبیل جنگ و زلزله و سیل که ارتباطی به نظم عمومی ندارد ولی از آنجا که قابل محاسبه نیست و زیان حاصل از آن در آمار نمی‌گنجد و عادتاً "هم جزو تعهدات بیمه‌گران نیست از شمول این بیمه خارج شده است. اما دو مورد وجود دارد که بیشتر موضوع بحث قرار می‌گیرد یعنی موضوع بند ۴ "خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی و وسائل نقلیه یا رانندگان فاقد گواهینامه" بخصوص قسمت اخیر بند که در بسیاری موارد زیان دیده فاقد گواهینامه توانسته است رائی به نفع خود از دادگاه بگیرد.

اولاً "بدون اینکه دقیقاً بدانیم دادگاهها بر چه اساس رای بنفع زیان‌دیده فاقد گواهینامه داده‌اند می‌گوئیم قانون پرداخت چنین خسارتی را فقط از شمول این بیمه‌نامه خارج کرده است وگرنه بهر دلیل دیگر و محکمه‌پسندی ممکن است خسارتی پرداخت گردد که ارتباطی با این بیمه ندارد. اما در وهله اول چنین بنظر می‌رسد که قانون‌گذار نخواسته است متخلفین از مقررات و قوانین خود را حمایت کند و اصولاً "ایرادى هم ندارد. کما اینکه راننده وسیله نقلیه‌ای را هم که گواهی ندارد و عملاً "مسئولیتش بیمه نیست و تنها از جهت حفظ عامیت قانون و حمایت زیان‌دیده است که بیمه‌گر خسارت او را می‌پردازد و بابت خسارت پرداختی حق رجوع به راننده بیمه شده فاقد گواهینامه رانندگی را دارد. اصولاً "بموجب قسمت اول ماده یک این قانون هر کس از وسیله نقلیه موتوری اش خسارتی جانی یا مالی به دیگری وارد شود ملزم به جبران آن است چه گواهینامه داشته باشد چه نداشته باشد، چه مجاز به استفاده از وسیله نقلیه باشد چه بدون اجازه وسیله را بکار انداخته باشد.

قانون‌گذار نخواسته است حمایت خود را به کسانی که مقررات عمومی را رعایت نمی‌کنند تسری دهد و اینکه می‌گویند هر کس به سبب تخلف در قانون یا ارتکاب جرمی مجازات معینی دارد نیز درست نیست چرا که همیشه برای یک جرم فقط یک

اما بنظر من این عدم حمایت فقط شامل همان کسانی می‌شود که قانون خواسته است نه لاغیر و اگر هم تغییری درباره این ماده می‌شود باید در جهت منافع زیان دیدگان باشد نه به ضرر آنها. مثلاً " سرنشین وسیله نقلیه‌ای که راننده‌اش فاقد گواهینامه است از حمایت این قانون بهره‌مند خواهد شد. اینکه آیا بیمه‌گری می‌تواند آنچه را که از شمول این قانون خارج است طی بیمه‌نامه دیگری بیمه کند یا نه امر جداگانه‌ایست و قابل بحث. تنها موردی که در خود قانون اجازه داده شده است جبران خسارت مالی است که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد عبارت دیگر اگر بیمه‌گری قبول کند که خسارت‌های را که بیمه‌گذار در خارج از کشور باعث می‌شود در چهارچوب این قانون پرداخت کند صحیح است و ایرادی ندارد.

مجازات در نظر گرفته نمی‌شود مثلاً " اینکه مجازات جرمی هم ممکن است زندان باشد یا جریمه نقدی و یا هر دو و مهمتر از همه مجازات‌های تبعی است که بدنبال مجازات اصلی می‌آید پس مانعی ندارد که سارق وسیله نقلیه‌ای که دچار زیان شده‌است هم زندانی شود و هم خسارتش جبران نشود یا راننده فاقد گواهینامه‌ای هم خسارتش جبران نشود و هم به پرداخت جریمه و هم به زندان محکوم گردد مضافاً اینکه نکته دیگری هم در گنه این بندها نهفته است و آن اماره تقصیر و مسئولیت است. یعنی کسی که گواهی رانندگی ندارد موجب حادثه هم هست و هیچ‌کس هم که نباید از عمل خلاف خود منتفع گردد. حال اگر دادگاهها براساس ضوابط دیگری که منع قانونی ندارد رای به جبران خسارت چنین اشخاصی می‌دهند به آنچه در بند ۴ ماده ۴ آمده است خللی وارد نمی‌کند.

